



The Legitimacy Status of Electronic Evidences as Proof of Claim in Jurisprudence

Hamidreza Ahmadi Lashaki^u, Hamid Abhary^v, Abbas Moghadari Amiri³

1. PhD Student of Law Department, Islamic Azad University, Sari branch, Sari, Iran.
2. Professor of the Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Joibar Branch, Islamic Azad University, Joibar, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 345-362

Article history:

Received: 22 Oct 2023

Edition: 25 Des 2023

Accepted: 16 Feb 2024

Published online: 15 Jun 2024

Keywords:

written documents, judge's science, proof of litigation, jurisprudence, judicial opinions.

Corresponding Author:

Hamid Abhary

Address:

Iran, Sari, Mazandaran University, Faculty of Law and Political Science, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-3800-0538

Tel:

09111115495

Email:

Hamid.abhary@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The development of science and technology have undeniable effects in areas of jurisdiction, proof of claim and crimes like other areas especially in legal systems. By considering the examples of evidence it is possible to obtain the Criteria of falsification, validity affirmation from the field of law and by generalising these criteria and based on the complexity of claims in the line with the social necessity and civility, it will be possible to identify and confirm other examples of evidence.

Method and Materials: The present study is descriptive_analytical.

Ethical Consideration: In writing present paper, the principles of text originality, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: Iran's laws have recognized electronic evidence by referring to the Electronic Commerce Law and the regulations on the citation of electronic evidence and have considered it as one of the evidences to prove the lawsuit.

Conclusion: According to the sayings of the jurists, it should be said that electronic written documents are considered as one of the proofs of the lawsuit, both independently and as an effective evidence in the knowledge of the judge, which can be relied upon to prove the claim in the judicial courts skip.

Cite this article as:

Ahmadi Lashaki H, Abhary H, Moghadari Amiri A. The Legitimacy Status of Electronic Evidences as Proof of Claim in Jurisprudence. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



جایگاه مشروعیت ادله الکترونیک از منظر فقه به عنوان ادله اثبات دعوا

حمیدرضا احمدی لاشکی^۱، حمید ابهری^۲، عباس مقدری امیری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پیشرفت علم و تکنولوژی تأثیر انکارناپذیر خود را در حوزه قضا، اثبات دعاوی و جرائم، همانند دیگر حوزه‌ها به‌ویژه در نظامات حقوقی داشته است. با امعان- نظر در ادله می‌توان به ملاک‌های جعل یا تنفیذ اعتبار آن‌ها از ناحیه شارع دست یافت و با تعمیم این ملاک‌ها و معیارها و متناسب با دگرگونی دعاوی و پیچیدگی آن‌ها و همگام با اقتضائات اجتماعی و مدنیت، مصداق یا انواع دیگری از ادله تشخیص را شناسایی نمود و آن را معتبر دانست. هدف پژوهش پاسخ‌گویی مبانی شرع در ادله الکترونیکی است.

مواد و روش: روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: قوانین ایران، دلایل الکترونیک را با استناد به قانون تجارت الکترونیک و آئین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیک به رسمیت شناخته و آن را جزء ادله اثبات دعوا به‌شمار آورده است.

نتیجه: با توجه به اقوال فقها باید گفت که اسناد مکتوب الکترونیک به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا، چه به‌طور مستقل و چه به‌عنوان قرینه‌ای مؤثر در علم قاضی محسوب می‌شود که برای اثبات ادعا در محاکم قضایی می‌توان به آن تمسک جست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۴۵-۳۶۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

واژگان کلیدی:

اسناد کتبی، علم قاضی، ادله اثبات دعوا، فقه، آرای قضایی.

نویسنده مسئول:

حمید ابهری

آدرس پستی:

ایران، ساری، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0002-3800-0538

تلفن:

۰۹۱۱۱۱۱۵۴۹۵

پست الکترونیک:

Hamid.abhary@gmail.com

۱. مقدمه

رسمی ارائه می‌کنند. بررسی منابع موجود حاکی از این است که ادله الکترونیک در فضای سنتی مورد توجه فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است، لذا موضوع در خصوص ادله الکترونیک می‌باشد که نشان‌دهنده نوآوری بحث است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. از روش کتاب‌خانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است. پژوهشگر در بررسی-های کتاب‌خانه‌ای از طریق رجوع به مجلات علمی، سایت‌ها و متون تخصصی اطلاعات مورد نیاز مربوط به موضوع مورد مطالعه را جمع‌آوری می‌کند.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

چالش اساسی در این است که در دادگاه‌ها، ادله نوین اثبات دعوا حقوقی جای ادله سنتی را گرفته به‌گونه-ای که نمی‌توانند از ادله رایانه‌ای و الکترونیکی چشم-پوشی کرده و تنها به آن استناد کنند. با مطالعه آرای قضایی و روند رسیدگی در دادرسی به نظر می‌رسد اقامه و استناد به دلایل الکترونیکی مطابق قواعد سنتی منجر به کشف حقیقت و مبنای صدور رأی می‌گردد و حتی قانون‌گذار با توجه به ارزش و گسترش ادله الکترونیکی قانون تجارت را نیز در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسانده که در آن به صراحت به قابل استناد بودن ادله الکترونیکی اشاره کرده است.

قانون تجارت الکترونیک، در عین یکسان قلمداد کردن پیام و امضای الکترونیکی با نوشته و امضای سنتی، دلایل الکترونیک را به مثابه نوع جدیدی از دلیل معتبر قلمداد کرده و آن را دارای ارزش اثباتی دانسته است. قانون مدنی و آئین دادرسی مدنی ادله حقوقی احصاشده و به استناد ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی به قرار ذیل است: ۱- اقرار، ۲- اسناد کتبی، ۳- شهادت، ۴- قسم، ۵- امارات.

لذا سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که جایگاه مشروعیت ادله الکترونیک از منظر فقه به عنوان ادله اثبات دعوا چیست؟ در صدد پاسخگویی به سوال مطرح شده به بررسی مطالب و منابع موجود کتاب‌خانه‌ای پرداخته شد و موضوعات نزدیک به-عنوان حاکی از این است: کتاب جایگاه ادله الکترونیک در فقه حقوق ایران، نگارش شده توسط جمال‌الدین شعبانی در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. در این کتاب با نگاهی به ماده ۱۹۴ آئین دادرسی مدنی به مفهوم دلیل می‌پردازد و نویسنده بیان می‌کند که قانون مدنی برای دلیل تعریفی ارائه نکرده است و در تطبیق مواد قانون مدنی و آیین دادرسی در این خصوص می‌باشد. در مقاله‌ای تحت عنوان مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر حقوق اسناد الکترونیکی از منظر قوانین ایران، مقررات آنسیترال و حقوق فرانسه، مسعود فاطمیان و همکاران، در سال ۱۳۹۶ می‌باشد. نویسندگان اسناد الکترونیکی از نظر رسمی و عادی با امضای ساده و عادی با امضای مطمئن را مورد تحلیل قرار می‌دهند و عقیده دارند که قانون‌گذار ایران، سند رسمی الکترونیکی را تعریف نکرده است و پیشنهادهایی در راستای تدوین قوانین اسناد

اطلاعاتی و رایانه‌ای سخن به میان آورده است. در مجموع می‌توان اسناد الکترونیکی را مدارکی خواند که اغلب ویژگی‌های استاد سنتی را حفظ می‌کنند و با عنوانی مشخص و منظم و به صورت الکترونیکی تولید، نگهداری و توزیع می‌گردند و علاوه بر آن قابلیت‌های جست‌وجو، بازیابی، بازیابی و چاپ اطلاعات را به شکلی صحیح، سریع و دقیق به دست کاربران متعدد انجام می‌دهند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۷۸)

۵-۱-۱. ادله الکترونیکی

ادله الکترونیکی عبارت است از اسناد و مدارک ثبت شده در سامانه‌های رایانه‌ای، اینترنت و اتوماسیون-های اداری. هر گونه سخت‌افزار یا نرم‌افزار و یا داده الکترونیکی که این توانایی را داشته باشد که اطلاعات ارزشمندی در راستای اثبات کشف جرم، استدلال قضایی، ادعا و یا دفاع به دست دهد، دلیل الکترونیکی نامیده می‌شود. این اطلاعات که ممکن است در اسناد کاغذی موجود نباشد، می‌تواند نقش مؤثری در فرآیند تعقیب کیفری یا دادرسی ایفا کند و با توجه به توسعه فناوری الکترونیک به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از ابزارهای مهم فن حقوق محسوب می‌گردد (محتشمی، ۱۳۸۹، ۸۱). به عبارت دیگر، به اسناد و مدارک موجود در دنیای مجازی، ادله الکترونیکی اطلاق می‌گردد. (فیضی چکاب، ۱۳۸۹، ۳۰) بدین ترتیب، اکنون در نظام حقوقی ایران، گزارش تراکنش سیستم الکترونیکی، حافظه رایانه و پوشه‌های صوتی و تصویری دیجیتال هر یک نوعی دلیل الکترونیک محسوب می‌گردند. (فیضی و مقدسی، ۱۳۸۳، ۶۶). این دلایل را می‌توان در ابزارهایی مانند تلفن همراه و ثابت، دوربین‌ها یا

اما چالش اصلی در بهره جستن و استنادپذیری در ادله الکترونیک، صحت و اصالت است که تاکنون قانونگذار به تدوین آئین رسیدگی به دلایل الکترونیکی اقدام ننموده و از این منظر رویکرد اصول فقه و نظرات فقها در رویه‌های قضایی و آرای صادره از قضات محاکم می‌تواند در استناد و اعتباربخشی به ادله الکترونیکی موثر واقع گردد. تا اجرای عدالت و پیشرفت فضای کسب‌وکار الکترونیکی نیز محقق گردد.

۵- بحث

۵-۱. ادله الکترونیکی و اسناد الکترونیکی

با تصویب قانون تجارت الکترونیک، دلیل الکترونیک به عنوان قالب جدید دلیل، به نظام ادله اثبات دعوا حقوقی راه یافت. در قانون تجارت الکترونیکی تعریفی وسیع و پویا از «داده‌پیام» ارائه شده است (ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک). لذا نه تنها ابزارهای الکترونیک، بلکه تمامی ابزارهای موجود می‌توانند منشاء ایجاد دلیل الکترونیک باشند، از جمله این دلایل تلگرام، تلکس، ابزارهای دیجیتالی، مغناطیسی، نوری، الکترومغناطیسی و سایر ابزارهای نشأت گرفته از فناوری که در آینده ایجاد خواهند شد را دربر می‌گیرد. قانون تجارت الکترونیکی ایران، تعریفی از اسناد الکترونیکی ارائه نمی‌کند و تنها در بند الف ماده ۲ در تعریف داده پیام، چنین مقرر داشته: «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم که با وسایل الکترونیکی، نوری یا فناوری جدید اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش شده باشد. این نکته قابل توجه است که قانون تجارت الکترونیکی همواره از ایمنی و اطمینان سامانه‌های

۱۳۹۴، ۷۸). بند ۷ از ماده ۲ قانون یک‌نواخت مبادلات الکترونیکی ایالات متحده آمریکا سند الکترونیکی را «سند تولید، ارسال، مبادله و یا ذخیره‌شده از طریق وسایل الکترونیک دانسته شده؛ لذا با استفاده از این تعریف و تعریف ارائه‌شده در قانون ایران می‌توان سند الکترونیک را به‌عنوان سند الکترونیکی از نوشته‌ای که از طریق وسایل الکترونیکی تولید، ارسال، دریافت و ذخیره شده و در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد تعریف کرد». منظور از نوشته، خط یا علامتی می‌باشد که بر روی کاغذ و یا چیز دیگری رسم گردیده و مطلبی را شامل شود. در قانون تجارت الکترونیکی کشورمان و همین‌طور در قانون نمونه آنسیتراال اصطلاح "داده پیام" بکار برده شده و به این شکل تعریف گردیده: «اطلاعات ایجاد، ارسال، دریافت و یا ذخیره شده از طریق ابزار الکترونیکی نوری و یا وسایل مشابه از جمله مبادله الکترونیک داده‌ها، پست الکترونیک، تلگرام، تلکس و یا تله کپی است» (رضایی، ۱۳۹۰، ۳۱). این واژه را به‌طور الکترونیک می‌تواند معادل «نوشته الکترونیکی» باشد.

بدین ترتیب کتبی بودن از جمله شروط اعتبار سند محسوب نمی‌شود و می‌توان چنین بیان داشت که چیزهای دیگری که جهت اثبات رخدادی حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند، در تحلیل‌های حقوقی جزء اسناد به‌شمار می‌روند (دوستی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰۶).

با توجه به نظر نگارندگان، این پرسش پیش می‌آید که آیا «داده پیام» را که در ایجاد قراردادهای الکترونیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان به‌عنوان نوشته به‌شمار آورد و در تنظیم و ایجاد سند

ضبط‌کننده‌های دیجیتال، رایانه‌های شخصی، فکس‌ها و مانند آن‌ها کشف و استفاده نمود. با تصویب قانون تجارت الکترونیک، دلایل الکترونیک به عنوان نوع جدید دلایل در کنار دلایل سنتی، در نظام ادله اثبات دعوا حقوقی معتبر شمرده و دارای ارزش اثباتی هستند (مؤذّن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۴، ۷۸). اگرچه قانون‌گذار تعریفی از دلیل الکترونیکی ارائه نکرده، اما با توجه به مراتب مذکور، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «دلیل الکترونیکی داده پیامی است که اصحاب دعوا در جهت اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند». در ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک، مفهوم داده پیام را تحت عنوان یک دلیل الکترونیکی در نظر گرفته است. حال دلیل الکترونیکی متشکل از مفهوم و اطلاعاتی است که با ابزار الکترونیکی مرتبط می‌گردد. این ابزار به تولید، ذخیره، ارسال، دریافت اطلاعات می‌پردازد و در نتیجه طرفین دعوا برای دفاع از خود و اثبات حق به آن استناد می‌کنند.

۵-۲-۱. اسناد الکترونیکی

اسناد الکترونیکی عبارتند از اسنادی که از طریق رایانه قابل تولید، انتقال و نگهداری می‌باشند. آنها امکان دارد که به روش الکترونیکی تولید شده یا از شکل اصلی خود به شکل الکترونیکی درآمده باشند. اسناد الکترونیکی اسنادی است که به روش رایانه‌ای تولید، منتقل و نگهداری می‌شوند. با توجه به تعاریف مزبور در بالا در خصوص اسناد الکترونیکی می‌توان مهم‌ترین ویژگی آن‌ها را خاصیت غیر مادی آن‌ها دانست؛ چنان‌که مانند اسناد کتبی به‌صورت مستقیم قابلیت رویت نداشته، لذا از طریق دیگر می‌توان آن‌ها را به شکل اسناد کتبی در آورد (جمالی و رزاقی،

الکترونیک در رابطه با قبول مندرجات موجود در سند به دلیل به کارگیری رمز یا کلید عمومی و خصوصی با سایر روش‌ها، می‌توان چنین اظهار نمود که به مانند - اسناد کاغذی - به ویژه در فقه از اعتبار و حجیت برخوردار است. از نظر فقهی کسب ادله از طرف قاضی ممنوع نشده است. قاضی می‌تواند نشانه‌های موجود در دعوا را مورد استفاده قرار داده و علمی که بدین صورت حاصل می‌گردد را حجت قرار بدهد و مبتنی بر آن اقدام به صدور حکم کرده و احقاق حق نماید. از دلایل حجت بودن علم قاضی می‌توان به آیات قرآن استناد کرد. در اینجا به بیان برخی از آیات قرآن در این خصوص پرداخته می‌شود: آیه ۶۲ از سوره ص می‌فرماید: «یا داوود! ما جعلناک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحق...» (ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن) (ص، ۶۲). آیه ۸۵ از سوره نساء می‌فرماید: «... و اذا گتمم بین الناس ان تحکموا بالعدل...» (و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید) (نساء، ۸۵). آیه ۲۴ سوره مائده می‌فرماید: «ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط...» (اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم کن) (مائده، ۲۴). با توجه به دلایل بیان شده قاضی می‌تواند به صرف علم خود نظر بدهد و به هیچ یک از ادله اثبات دعوی نیاز ندارد و به طریق اولی اگر از اماره قضایی علم به مورد رسیدگی پیدا کند می‌تواند بر طبق این علم رفتار کند. نکته قابل تامل در اینجا این است که از این استدلال در جهت حجیت استناد به اسناد هم می‌توان استفاده کرد؛ البته عده‌ای از فقها نظیر ابوعلی ابن جنید اسکافی نیز قائل به عدم اعتبار علم قاضی نظر دارند. در نتیجه هر گونه نوشته یا سندی که سبب علم قاضی شود معتبر و حجت است پس

آن را به کار برد یا خیر. تحلیلی که در پاسخ می‌توان بیان نمود این است که شرط کتبی بودن در قانون نمونه آنسیترال از مفهوم نوشته حذف شده و «داده پیام» را با مفهوم نوشته هم‌ارزش در نظر گرفته‌اند. در بند نخست هر کجا که سندی الزامی باشد، داده پیام‌ها می‌توانند به عنوان جانشین و به منزله آن مورد استفاده قرار گیرند. هم‌چنین در ماده ۱۲ از قانون مذکور چنین آمده است که: «اسناد اولیه اثبات دعوی امکان دارد در قالب داده پیام باشد» و نهایتاً ذیل ماده ۱۴ از همان قانون مذکور آورده است: «داده پیام‌ها از حیث اجرای مفاد آن و سایر آن‌ها در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع حقوقی و قضایی خواهد بود.»

۵-۲. مبانی شرع در ادله الکترونیک از منظر

فقه

آنچه از اقوال مختلف فقها و دانشمندان اسلامی استنباط شده این است که سند و نوشته در حالتی که مهر یا امضا داشته باشند و به طریق مطمئن محفوظ شده باشند نمی‌توان تغییراتی در آن ایجاد نمود، نیت ایجادکننده بر قبول مفاد سند باشد، چنانچه به عنوان یک اقرار کتبی در نظر بگیریم یا ابزاری برای علم قاضی در نظر گرفته شده باشد، دارای حجیت و اعتبار می‌باشد. لذا قاضی می‌تواند در صدور حکم به آن استناد کند. چیزی که در فقه مطرح گردیده است، هدف، خط و کتابت محسوب نمی‌شود و کتابت به معنای ثبت مورد استفاده قرار گرفته است و مشتمل بر هر نوع ثبت مطمئنی می‌باشد (رضائی، ۱۳۹۰، ۳۳). با عنایت به مضامین مطروحه در راستای سند الکترونیک و مصون ماندن آن از تغییر و تحولات و قطعیت قصد امضاکننده سند

این معنی بینه و دلیل، یکسان می‌باشند، بنابراین بینه بعضاً به مفهوم چهار شاهد، سه شاهد مدنظر بوده است. ایضاً بینه در قرآن نیز به همین مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است و به بیان نمونه‌ای از آیات اشاره می‌کنیم. در آیه ۲۵ از سوره حدید می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات...» (همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم...). آیه ۴۴ از سوره نحل می‌فرماید: «بالبینات والزبروا و انزلنا» (ما هر رسولی) را با معجزات و کتب و آیات وحی فرستادیم. آیه ۴ سوره بینه می‌فرماید: «وما تفرق الذین أوتوا الكتاب الا من بعد ماجاء تهم البینه» (و اهل کتاب راه تفرقه و خلاف نپیمودند مگر پس از آنکه آنها را حجت کامل آمد (و دانسته برانکار او لجاج و عناد ورزیدند). آیه ۵۷ سوره انعام می‌فرماید: «قل انی علی بینه من ربی» (بگو من هر چه می‌گویم یا برهانی از سوی پروردگارم است). آیه ۱۳۳ سوره طه می‌فرماید: «... اولم تاتهم بینه ما فی الصف الاولی» (آیا آیات بینه کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد)؛ بنابراین علم و قطع از هر راه که به دست آید حجت است زیرا در هیچ یکی از قوانین اسلامی گفته نشده که حل مجهولات قضایی لازم است الزام به وسیله شهود (بینه) داشته باشد. قرآن نیز در این زمینه بیان داشته: «لا تقف ما لیس لک به علم» چیزی را که نمی‌دانی از آن پیروی نکن). این بدان معناست که از دانسته‌های خود پیروی کن و راه خاصی را هم در جهت به دست آوردن علوم پیشنهاد کرده است. در نتیجه به نظر نگارندگان بینه در معنای عام قابل پذیرش است. بینه در معنای خاص در دو مورد استفاده شده است: ۱- شهادت دو مرد که در مواردی شهادت دو زن می‌تواند جانشین شهادت یک

در اسناد الکترونیک نیز اگر داده پیام به صورت مطمئن تولید و نگهداری شود و دارای امضای الکترونیکی باشد موجب علم قاضی بوده و در فقه نیز معتبر و حجت است (حسینی کلشتری، ۱۳۹۳، ۲۴۲).

در جهت هر چیز نوظهور نیازی نیست که به منابع فقهی مراجعه کرد تا در روایات و قرآن تعریفی از آن استنباط نمود، همین که آن پدیده نوظهور برخلاف آیات و روایات نباشد و آیات و روایات از آن کار نهی نکرده باشند و تا زمانی که قانون یا شرعاً از عقدی منع نگشته یا یکی از عناوین حرام بر آن صدق نکند آن عقد و معامله صحیح است. در حقیقت اگر آیه و روایتی تجارت را تأیید کند آن با استفاده از ادوات الکترونیکی نیز قابل تأیید است (جلائی فراهانی، ۱۳۸۶، ۸۳). فقهایی نظیر مکارم شیرازی درباره استنادپذیری نوشته و سند در فقه و ارزش اثباتی آنها اتفاق نظر ندارند. لذا برخی فقیهان سند و نوشته را به عنوان یک دلیل محسوب نمی‌کنند و عقیده دارند که سند فقط یک دلیل تکمیلی یا قرینه است، اما فقهای دیگری نظیر امام خمینی (ره) بیان می‌کنند که اگر این سند همراه با قصد انشا باشد معتبر است و می‌توان نسبت به آن قائل به حجیت شد (دانش پژوه، ۱۳۹۲، ۱۶). در اینجا به بررسی ادله اثبات دعوی در فقه و بررسی علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در فقه پرداخته شده است.

۵-۲-۱. ادله اثبات دعوی در فقه

در شرع مقدس اسلام واژه‌ی بینه سنتی در دو مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است: در این معنا بینه به مفهوم لغوی مورد استفاده قرار گرفته، بدین معنی که هر آنچه بتواند مجهولی را به اثبات برساند که در

عدالت داوری کنید). آیه ۴۲ سوره مائده می‌فرماید: «إِنَّ حُكْمَ فَاحِكَمِ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ.» (اگر حکم کردی میان آن‌ها به عدالت حکم کن...).

به نظر نگارندگان از تفسیر آیات چنین استدلال می‌شود که با توجه به دلایل بیان شده قاضی می‌تواند به صرف علم خود نظر بدهد و به هیچ یک از ادله اثبات دعوی هم نیاز ندارد و به طریق اولی اگر از اماره قضایی علم به مورد رسیدگی پیدا کند می‌تواند بر طبق این علم رفتار کند.

نکته قابل تامل در این مورد است که از این استدلال در جهت حجیت استناد به اسناد هم می‌توان استفاده کرد. البته عده‌ای از فقها نیز قائل به عدم اعتبار علم قاضی هستند و در نتیجه هر گونه نوشته یا سندی که سبب علم قاضی شود معتبر و حجت است پس در اسناد الکترونیک نیز اگر داده پیام به صورت مطمئن تولید و نگهداری شود و دارای امضای الکترونیکی باشد موجب علم قاضی بوده و در فقه نیز معتبر و حجت خواهد بود (کوهن و برتراند، ۱۳۸۳، ۷۷).

۵-۲-۳. مبنای اعتبار و حجیت نوشته و سند الکترونیکی در فقه

میان فقها در خصوص اعتبار و حجیت نوشته و سند در فقه و ارزش اثباتی آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. برخی نظیر علامه حلی، نوشته و سند را به تنهایی دلیل ندانسته و آن را در صرفاً یک قرینه یا دلیل تکمیلی بر شمرده‌اند، بعضی دیگر از فقها سند را در صورتیکه قصد انشای تنظیم کنندگان سند و متعاقبین به اثبات رسیده باشد معتبر قلمداد کرده‌اند و قائل به حجیت آن می‌باشند (حسینی کلشتری،

شاهد مرد باشد. ۲- شهادت یک شاهد به همراه سوگند مدعی. البته لازم به ذکر است که برخی فقها این مورد را دلیل ندانسته‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۸۶، ۷۶).

۵-۲-۲. مبنای علم قاضی در فقه

در فقه امامیه، قاضی می‌تواند اگر به نحوی به فاسد بودن ادله اثبات دعوی علم پیدا نماید به ادله ترتیب اثر ندهد و با استناد به اماره حکم دهد. در این خصوص چنین استدلال می‌نماید که علم قاضی در حقوق اسلام از هر طریق به دست آید دارای حجیت است و تفاوتی نمی‌کند که موضوع رسیدگی از حق الله یا حق الناس باشد. البته برخی از فقیهان در رابطه با اعتبار علم قاضی در حق الله و حق الناس قائل به تفصیل گردیده و در حق الله علم قاضی را حائز اعتبار قلمداد کرده‌اند؛ ولی آن را در حق الناس فاقد اعتبار دانسته اما دیدگاه مشهور و عقیده غالب فقهای معاصر بر مبنای اعتبار علم قاضی به نحو مطلق می‌باشد: البته تمامی فقها معتقدند علمی معتبر است که از راه‌های متعارف و معمول فراهم آمده باشد. از نظر فقهی قاضی می‌تواند تحصیل ادله نماید و از هر قرینه‌ای در پرونده استفاده کند؛ لذا علم قاضی از این روش حاکی از حجت می‌باشد و می‌تواند طبق علم خود حق را به منصفه ظهور برساند و رأی صادر کند. از دلایل حجت بودن علم قاضی می‌توان به آیات قرآن استناد نمود (مؤمن، ۱۳۷۸، ۱۵).

آیه ۲۶ از سوره ص بیان می‌فرماید: «یا داوود انا جعلنا خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحق...» (ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن). آیه ۵۸ از سوره نساء نیز می‌فرماید: «... و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل...» (و چون حاکم بین مردم شوید به

نظیر شیخ طوسی، محقق حلی، عاملی نیز «اکتبوا» را فقط نوشتن قلمداد نکرده‌اند و مقصود از آن را «اُتبتوا» به مفهوم ثبت نمودن پنداشتنه‌اند که شامل نوشتن می‌باشد (مهرافشان، ۱۳۹۰، ۱۱۹).

به نظر می‌رسد در فقه چیزی که از آن تحت عنوان علم قاضی یاد می‌گردد عبارتست از علم عادی و نه علم یقینی و فلسفی، بنابراین هرگونه وسیله و یا نوشته‌ای که مفید علم عادی در جهت قاضی شود امکان دارد مستند علم و نهایتاً مستند حکم او هم واقع گردد، ضمن بررسی اقوال گوناگون فقها معین می‌شود، علت مخالفت عده‌ای از فقها با حجت نوشته و سند به علت تزویر احتمالی و نداشتن قصد تنظیم کننده سند نسبت به مفاد تنظیمی است، لذا سند و نوشته اگر با مهر یا امضا باشند پس از تغییر مصون هستند و قصد تدوین کننده آن بر قبول مندرجات محرز شود، اعم از اینکه آن را به عنوان اقرار کتبی و یا وسیله‌ای در راستای ایجاد علم قاضی تلقی کرد یا اینکه مستقلاً آن را دلیل قلمداد نمود، اعتبار و حجیت داشت و قاضی می‌تواند آن را مستند حکم خود در نظر بگیرد. بنابر فرض ما چنانچه "داده پیام" به‌طور قابل اطمینانی تولید و نگهداری گردیده و امضای الکترونیک داشته باشد، شرایط اخیرالذکر را داشته و مفید علم واقع می‌شود و از دیدگاه فقهی از ارزش و اعتبار اثباتی برخوردار خواهد بود (حسن‌زاده، ۱۳۸۴، ۷۱).

لذا نگارندگان نیز چنین استنباط می‌کنند که چنانچه در دلیل الکترونیکی بر قاضی علم ایجاد شود که ادله مذکور دارای اعتبار و حجیت است می‌تواند در حکم خویش به آن استناد نماید، لذا فرقی میان دلیل الکترونیکی و ادله سنتی در این خصوص وجود ندارد

۱۳۹۳، ۲۴۲). یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین اصول و مبانی فقهی که در رابطه با استنادپذیری نوشته و سند مطرح گردیده عبارت است از آیه ۲۸۲ از سوره مبارکه بقره که از آن تحت عنوان آیه دین نیز یاد می‌شود: «یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه و لیکتب بینکم کاتب بالعدل ... ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که بدهی مدت‌دار به یکدیگر پیدا می‌کنید، آن را بنویسید و می‌بایست نویسنده‌ای از روی عدالت، سند را در میان شما بنویسد...». این آیه که طولانی‌ترین آیه قرآن است، احکام و نکات فراوانی را در بر دارد که یکی از آنها نوشتن معاملات و عقد است. هر گاه شخصی به دیگری قرضی بدهد یا با او معامله‌ای انجام بدهد که یکی از طرفین بدهکار گردد، در جهت اینکه هیچ‌گونه مشکل در آینده از راه فراموشی، مرگ، انکار و ... پدید نیاید، لازم است مدت و مقدار بدهی و دیگر شرایط مورد توافق طرفین نوشته شده تا در وقت لازم به آن استناد گردد (همتی، ۱۳۹۵، ۶۱).

ضرورت کتابت، بدون قابلیت قبول و استنادپذیری نوشته، امری بی‌فایده به نظر می‌رسد و بیانگر آن است که این آیه به خودی خود، دلالتی بر استنادپذیری کتابت و سند است؛ چه این استنادپذیری به نوشته یا سند، به‌صورت یک دلیل مجزا باشد یا به‌صورت یک دلیل تکمیل‌کننده. تعدادی از محققان و مفسران اسلام، با استناد به ظاهر آیه «فاکتبوه» حکم بر ضرورت نوشتن داشته که از قبیل محققانی همچون «مالک»، «طبری»، «بیع» و «کعب» می‌توان دانست که ضرورت و وجوب تکلیفی کتابت را استنباط کرده‌اند و عده‌ای از فقها

و هر نوشته چه الکترونیکی و چه سنتی چنانچه دارای شرایط مطمئن و مفید علم باشند از منظر فقه دارای اعتبار و ارزش خواهد بود.

۵-۲-۴. ادله اثبات دعوا حقوقی از منظر فقه

با اینکه ادله دعوا در فقه و قانون به صورت حصر مشخص شده است؛ اما سؤال این است که آیا ادله اثبات دعوی حقوقی به موارد احصاشده محدود و منحصرند یا نه؟ و دلیل قائلین به حصر چه می باشد؟ اکثر فقهای اهل تشیع و تسنن با توجه به حصر ادله (با اختلاف در شمار آن) و در خصوص توجیه نظر خویش به ادله ای از کتاب و سنت استناد جسته اند. دلائل قائلین به حصر ادله اثبات که مورد استناد قرار داده اند به شرح زیر است:

۵-۲-۴-۱. آیات

در القاموس الفقهی چنین مقرر گردیده که: واژه بینه در کلام خدا و پیامبرش و همچنین در سخنان صحابه به مفهوم مطلق آن که عبارت است از هر چیزی که آشکارکننده حق است مورد استفاده قرار گرفته که شامل تعبیری است که در اصطلاح فقها (به معنای دو شاهد یا یک شاهد و یک سوگند) از آن استفاده می گردد. اما آنچه که به معنی مورد نظر و اصطلاحی (یعنی شهادت شهود) در قرآن آمده در آیات ۲۸۲ (... واستشهدوا شهیدین من رجالکم فإن لم یكونا رجلین فرجل وامرأتان من ترضون من الشهداء أن تصل إحداهما فتذكر إحداهما الاخری...) و ۲۸۳ (... ولا تکتبوا الشهاده و من یکتبها فإنه آثم قلبه و الله بما تعملون علیم) سوره بقره است. در آیه نخست در دو جا نسبت به شهادت و احضار شهود امر گردیده و در آیه ی پس از آن، حرمت کتمان شهادت

را بعد از تحمل آن یادآور شده است (انصاری فر، ۱۳۹۵، ۷۴).

۵-۲-۴-۲. روایات

۱. روایت منقول ان نبی اکرم (ص) که فرمود: «إنما اقضی بیکم بالبینات و الأیمان». ای مردم تنها من در میان شما طبق گواهی گواهان و سوگندها دادرسی می کنم. علاوه بر این، روایت منقول از امام موسی بن جعفر (ع) که سوال شد: «خبر نی عن الرجل یدعی قبل الرجل الحق، فلا تكون له بینه بماله، قال: فیمین المدعی علیه». از مردی به من گفت که در نزد دیگری ادعای حق می کند؛ اما دلیلی بر مال او ندارد، گفت: در مورد سوگند متهم، اگر قسم بخورد، حقی ندارد. در این دو روایت دلائل و طرق قضای صدور حکم منحصر در دو چیز بینات (شهادت شهود) و سوگند است.

۲. روایتی است منسوب به امام باقر یا امام صادق (ع) که فرموده: «لا یرجم الزانی حتی یقر أربع مرات بالزنا، إذا لم یکن شهود»: زناکار را تا زمانی که چهار بار به زنا اعتراف نکند، اگر شاهدی نباشد، سنگسار نمی شود. این روایت، شیوه اثبات بزه زنا و اجرای حکم را به اقرار فاعل بزه و یا شهادت شهود منحصر دانسته و در مورد آن هیچ راه دیگری را تعیین نکرده است (شیخ طوسی، ۱۳۹۰).

۳. دو روایت از ابوبصیر و سماعه از حضرت صادق (ع) نقل نموده که در یکی از آن روایات چنین بیان داشت: «لا یرجم الرجل و المرأه حتی یشهد علیه أربعه شهود» مرد یا زن را نباید سنگسار کرد تا اینکه چهار شاهد علیه او شهادت دهند. و دیگری: «لا یحد الزانی حتی یشهد علیه أربعه شهود...». زناکار

مجازات نمی شود تا اینکه چهار شاهد علیه او شهادت دهند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۷۸).

۴. روایت ابی حمزه از امام علی (ع): «احکام المسلمین علی ثلاثه: شهاده عادلہ او یمین قاطعه، او سنه ماضیه من أئمة الهدی» مسلمانان در سه مورد حکم می کنند: شهادت عادلانه، سوگند محکم، یا سنت گذشته از ائمه هدایت (بابوی قمی، ۱۴۰۳، ۵۵).

۵. روایتی توسط اهل تسنن نقل گردیده که در منابع حدیثی شیعه ملاحظه نمی گردد و اهل تسنن اکثراً در راستای بی اعتباری علم قاضی در صدور حکم و محاکمه بودند. این روایت از رسول خدا نقل گردیده و چنین بیان گردیده که آن حضرت در قضیه ملاعنه ای بیان داشتند: «لو كنت راجما بغير بينه لرجمتها». اگر بدون مدرک سنگسار بودم، او را سنگسار می کردم. یعنی اگر امکان اثبات بزه و اصدار حکم رجم به جز از طریق بینه امکان پذیر بود، وی را به رجم محکوم می نمودم. علی الظاهر روایت مذکور با حمل بر سایر روایات که اثبات حد زنا را با اقرار زانی ممکن قلمداد می کند، حاکی از آن است که رسول خدا به غیر از این دو روش، روش دیگری حتی علم قاضی، به منظور اثبات زنا ارائه ننموده اند (شریفی پور، ۱۳۹۵، ۶۱).

۶. سایر روایات همچون روایت مرسله یونس «إستخراج الحقوق بأربعة وجوه: بشهاده رجلین عدلین، فإن لم یکونا رجلین، فرجل وامرأتان، فإن لم تکن أمرأتان فرجل و یمین المدعی، فإن لم یکن شاهد، فالیمین علی المدعی علیه». به دست آوردن حقوق از چهار طریق حاصل می شود:

با شهادت دو مرد عادل. اگر دو مرد عادل نبود، یک مرد و دو زن. اگر دو زن نبود، یک مرد به همراه سوگند مدعی. اگر هیچ شاهدی نبود، سوگند به عهده منکر است. اگر منکر سوگند نخورد و آن را به مدعی برگرداند، بر مدعی لازم است که سوگند یاد نموده و حق خود را بگیرد. پس اگر از سوگند یاد کردن خودداری کرد، حقی نخواهد داشت. آمده است که بعضی از فقها علاوه بر تأکید بر حصر ادله، مواردی از جمله: «بد»، «یمین مردوده»، «نکول مدعی»، «استطراق»، «استفاضه» و غیره را در احصای آن ها به ادله افزوده اند (صدر، ۱۴۰۵، ۸۷/۲).

غیر از ادله اقرار که بیشتر سببیت در آن مطرح بوده و اثر قاطعیت دعوا و نزاع هم مد نظر واقع شده «بینه» به عنوان اساسی ترین دلیل اثبات دعاوی در شرع تلقی می گردد و عموم فقها آن را به «شهادت عدلین» تعبیر و ویژگی در جهت آن در شهادت قائل می شوند که اعتبارش را به جعل شارع نسبت داده اند. نکته مهم این است که مشخص شود لفظ بینه در شرع مقدس اسلام و فقه چگونه است. برخی گفته اند بینه در لسان شرع عبارت از شهادت دو مرد عادل که به علت ازدیاد استعمال در شهادت دو شاهد، منقول عرفی یا حداقل منقول شرعی است. فقها اهل سنت نیز لفظ بینه را با شهادت دو شاهد مترادف دانسته و در جملات خویش بعضاً از واژه بینه و برخی اوقات نیز لفظ شهادت را مورد استفاده قرار داده اند و یا اینکه از هر دو واژه با صفات همدیگر استفاده کرده اند نظیر «البیته العدول»؛ این در حالی است که عادل بودن یکی از صفات شاهد به شمار می رود و یا اصطلاح «شهدت بینه» که در اینجا بینه به عنوان فاعل فعل شهادت قید گردیده است. محقق نراقی، واژه بینه را

ذالک او تقوم به البینه». ... و همه چیز این گونه است تا چیزی غیر از آن برای روشن شود یا دلیلی ثابت کنی. در استناد به این روایت گفته شده ذکر کلمه «بینه» به عنوان بدل «یستبین» که به معنی روشن شدن و آشکار شدن است، نشان می‌دهد که حقیقت «بینه» با «یستبین» متفاوت می‌باشد. چرا که اگر بینه نیز به مفهوم مطلق آشکار شدن در نظر گرفته شود نمی‌تواند به مثابه بدل متأخر آن استفاده شود (عربیان، ۱۳۹۲، ۱۷۳؛ به نقل از کلینی، ۱۳۸۹، ۳۱۳).

۲. روایاتی از سوی حضرت جعفر صادق و امام عصر (عج) نقل است که ذیل آن‌ها اصطلاحات «بینه العدول» و «البینه العادله» مورد استفاده قرار گرفته و از آنجا که صفت عادل خاص انسان بوده، موصوف آن نمی‌تواند مفهوم مطلق و لفظی بینه باشد؛ بلکه ناگزیر به شاهد و شهادت شهود حمل می‌شود (عربیان، ۱۳۹۲، ۱۷۲؛ به نقل از ابن قدامه، بی تا، ج ۴، ۴۶۱).

۳. روایاتی از حضرت جعفر صادق (ع) که اصطلاحات «اکثر هم بینه» و «البینه سواء فی العداد» در آن‌ها ذکر گردیده که می‌توانند دلیلی بر اطلاق بینه به شاهد باشند. در روایات دیگری نیز گاهی دو کلمه «بینه» و «شهود» در عوض هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بدین سبب که دو واژه‌ی نامترادف نمی‌توانند در عوض همدیگر استفاده شوند، مورد استناد فقها جهت ثبوت اطلاق واژه بینه به شاهد واقع شده‌اند. با امعان نظر به مطالبی که شرح آن گذشت، می‌توان چنین استدلال نمود که برخی از فقها کلمه‌ی بینه را یا به مفهوم مطلق دلیل و یا در قول دیگری استفاده کرده‌اند. در نتیجه بررسی اقوال علما می‌توان چنین استنباط نمود که علت قاطعی دال بر اینکه

در واقع به معنای لغوی آن (به معنی آشکار کننده) می‌داند که در شرع فقط به عنوان شاهد استعمال شده است وی با وصف بیان نظر خود در عوائد الایام و مستند الشیعه مبنی بر اطلاق بینه به شاهد در اخبار و روایات، در جای دیگری (مبحث علم قاضی)، امکان عدم اختصاص لفظ بینه به شهادت شهود را مطرح و می‌فرماید: ممکن است مقصود از «بینه» هر چیزی باشد که قاضی در حکم خود به آشکار شدن آن نیازمند باشد. و ظاهر هم این است که بینه زمانی مفید فایده خواهد بود که ادعای مدعی حق، در جهت قاضی، مجهول بوده و اصولاً شانیت بینه هم در جهت تبیین و رفع حجاب از مقصود، در جهت قاضی است (محقق نراقی، ۱۴۱۵، ۹۴).

اهل سنت در اطلاق لفظ بینه به شهادت شهود، عموماً به روایت معروف از نبی اکرم (ص): «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» و فقها امامیه نیز علاوه بر آن روایت به روایت مشهور: «انما اقاضی بینکم بالبینات والایمان» استناد کرده‌اند. با استناد به این روایات بیان شده بینه به معنی شاهد است. زیرا اگر به معنی مطلق دلیل باشد، ممکن است منکر هم دلیلی مانند «بد» با او باشد که یکی از دلایل مالکیت محسوب می‌گردد. از این رو هر یک از مدعی و مدعی علیه دلیل دارند که ترجیح یکی بر دیگری موجب خواهد بود؛ الا در صورتی که روایت به زمانی منوط گردد که منکر فاقد هرگونه دلیلی باشد که آن نیز مغایر با ظاهر می‌باشد (صدرزاده، ۱۳۸۷، ۶۶). علاوه بر روایات مذکور به روایات دیگری نیز در کتب مختلف فقهی اشاره شده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. روایت مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) که فرمود: «... والاشیاء کلها علی هذا حتی یستبین لک غیر

از نظام‌های حقوقی قضات به جمع‌آوری ادله صوری اثبات جرم می‌پردازند؛ به این معنا که متهم را مجرم تصور می‌کنند و رأی صادر می‌کنند. چنانچه عدم یقین حاصل گردد می‌توان از سایر ادله اثبات دعوی استفاده نمود. لازم به ذکر است که سایر ادله اثبات دعوی دارای طریقت می‌باشند. همان‌طور که مبرهن است برای انحصار ادله اثبات دعوی به استدلال ادله مثبت بینه پرداخته شده است که این موضوع امری فاقد اهمیت است، به این علت که اطمینان وجود دارد ادله اثبات دعوی کاشف هستند (رشتی، ۱۴۰۱، ۱۰).

۵-۳-۲. صلاحیت قاضی در تعیین ارزش اثباتی ادله

از نظر فقهای امامیه موضوعاتی تحت ادله اثبات دعوی بیان شده است و شرایط خاصی از نظر فقها برای این موضوع اختصاص پیدا کرده است؛ اما قاضی مکلف نیست که ادله صوری را فراهم کند و مجبور به صدور حکم نمی‌باشد؛ زیرا قاضی از ادله اثبات دعوی استفاده می‌کند تا به حکم موضوع پی ببرد و اگر قاضی متوجه شود که این ادله فاسد می‌باشند می‌تواند آنها را ملغی‌الاثرا اعلام کند و از قرینه‌الحال برای استناد به قوانین استفاده نماید و حکم صادر کند (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۳). از نظر فقه، قاضی ممنوعیتی از تحصیل دلیل ندارد و می‌تواند از نشانه‌های در دسترس استفاده کند و علم قاضی در اینجا حجت است و قاضی بر اساس آن صدور حکم می‌کند و احقاق حق می‌نماید.

۵-۴. نظرات فقها در خصوص دلیل الکترونیکی

واژه‌ی بینه در قرآن و سنت در عصر رسول خدا به مفهوم اخص (یعنی شاهد) به کار رفته باشد، در دست نمی‌باشد و چنانچه در روایات منقول از ائمه به‌ویژه از امام صادق (ع) به معنی خاص به کار رفته یا صفت عادل و عدول پس از ذکر کلمه «بینه» آمده است، می‌تواند به لحاظ غلبه استعمال باشد. زیرا در عصر ائمه (ع) حتی اگر لفظ بینه در معنی عام خود حقیقت داشته باشد، مصداقی غیر از شاهد نداشته و یا متصور نخواهد بود. اظهار برخی علما مبنی بر اینکه این لفظ پس از زمان پیامبر (ص) و یا حتی پس از ائمه (ع) از معنی لغوی و عام خود به معنی خاص (یعنی شهادت شهود) منقول شده مؤید این مدعا است. بنابراین می‌توان بیان داشت بینه در زبان اخبار به همان معنی مطلق دلیل بوده که اغلب مصداقی از آن (به معنی شهادت شهود) در دعاوی و مرافعات موضوعیت یافته و غلبه استعمال به قدری می‌باشد که از واژه بینه مفهوم شاهد یا دو شاهد برداشت می‌شود بنابراین این تبادر نیازمند عدم مصدق بینه به جز شاهد مانند سوگند یا اقرار و بقیه موارد نخواهد بود (السان، ۱۳۹۶، ۴۴).

۵-۳. اصول اساسی نظام ادله اثبات دعوی در فقه امامیه

در این قسمت به بررسی طریقت ادله اثبات دعوی و همچنین صلاحیت قاضی در تعیین ارزش اثباتی ادله پرداخته می‌شود:

۵-۳-۱. طریقت ادله اثبات دعوی

در فقه امامیه بیان شده است که ادله اثبات دعوی حاوی طریقت می‌باشد، به این معنا که قاضی به جمع‌آوری ادله صوری نمی‌پردازد، برعکس در بعضی

در شمار آن نظر داشته‌اند و به‌منظور توجیه نظر خویش به ادله‌ای از کتاب و سنت هم استناد ورزیده‌اند. ادله اثبات از منظر فقها بر سه دسته‌اند که عبارت‌اند از اقرار، بینه و سوگند. شیخ سید سابق از جمله فقهای اهل سنت راه اثبات دعوی حقوقی را محدود و منحصر به چهار مورد دانسته یعنی: ۱- اقرار ۲- شهادت ۳- سوگند ۴- اسناد مکتوب انکارناپذیر. حائری از جمله فقهای معاصر علاوه بر اقرار، شهادت و سوگند، علم قاضی و قرعه را هم به ادله اثبات افزوده است. قانون مدنی در احصای ادله نه تنها اسناد کسی را در زمره ادله اثبات آورده؛ بلکه از نظر درجه اعتبار، به شهادت شهود مقدم دانسته است. در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی دلائل اثبات دعوا حقوقی به قرار ذیل است: ۱- قرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم.

برخی جرایم مثل جرایم سایبری که نشئت گرفته از پیشرفت صنعتی و اقتصادی در گذر زمان است در صدر اسلام موضوعیت نداشته تا حکم فقهی - حقوقی آن از طرف حاکم شرع آمده باشد تا چه رسد به اینکه در مورد شیوه تحصیل دلیل این جرایم، حاکم شرع وضع قانون نموده باشد. با وجود این از میان قواعد متعدد فقهی می‌توان به قاعده لاضرر به صورت غیر مستقیم به مبانی فقهی و ضرورت وضع قواعدی در مورد تحصیل دلیل در فضای سایبر پی برد. علم و تکنولوژی در جهت یاری رساندن به قضات و محاکم پا به عرصه وجود نهاده، که از نظر اعتبار اثباتی و مقبولیت، به سایر ادله رایج به‌ویژه شهادت شهود پیشی گرفته و در برخی موارد آن را از اعتبار اثباتی نیز ساقط کرده است. به نظر می‌رسد جایگاه دلیل الکترونیک از دیدگاه فقه و حقوق ایران مبنی بر

نگارندگان آنچه از نظر و دیدگاه‌های مختلف فقها و دانشمندان اسلامی برداشت نموده‌اند این است که نوشته و سند چنانچه امضا یا مهر داشته باشد و به طور قابل اطمینانی حفظ گردیده و از تغییرات به دور باشد و مقصود و هدف تهیه‌کننده آن بر پذیرش مطالب محرز باشد، اعم از اینکه آن را به‌عنوان اقراری کتبی تلقی کرده یا آن را ابزاری به‌منظور ایجاد علم عادی قاضی دانست و یا اینکه آن را علتی مستقل در نظر گرفت، اعتبار و حجیت داشته و قاضی می‌تواند حکم خویش را به آن مستند نماید. در فقه خط و کتابت، قصد و هدف نبوده و کتابت در معنای ثبت استعمال گردیده و هر نوع ثبت مطمئنی همچون ثبت الکترونیکی را شامل می‌شود. در راستای سند الکترونیک و امنیت آن از تغییر و تحولات و محرز بودن هدف امضاکننده سند الکترونیک در رابطه با قبول مندرجات سند به علت انتفاع از رمز یا کلید عمومی و خصوصی یا سایر روش‌ها، می‌توان چنین استنباط نمود که مانند - اسناد کاغذی - بالاخص در فقه اعتبار و حجیت دارند (احسانی، ۱۴۱۰، ۷۲).

۶. نتیجه

در حقوق ایران، دلایل اثبات دعوی حقوقی محدود و منحصر به ۸ قسم می‌باشد؛ ولی با توجه به آنکه ماده ۱۲ از قانون تجارت الکترونیک علت الکترونیک را واجد اعتبار و قابل استناد قلمداد کرده، مشخص می‌شود که مقنن، «دلیل الکترونیک» را به‌مثابه نوع جدید دلیل به این دلایل اضافه کرده است. ارزش اثباتی دلیل الکترونیک، با امعان نظر به سطح ایمنی که در فرایند ایجاد و ذخیره دلیل الکترونیک استفاده شده است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از طرفی عموم فقها اعم از شیعه و سنی نیز به حصر ادله با اختلاف

پذیرش و تأیید فقها و حقوق دانان بر ارزش و اعتبار دلیل الکترونیک است. در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی نیز بر ارزش اثباتی دلیل مطمئن اشاره شده است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.



- احسانی، محمدبن علی بن ابراهیم، الأقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.
- اصفهانی، ابوالحسن، وسیله الأصول الی حقائق الاصول (تقریرات میرزا حسن سیادتی)، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
- السان، مصطفی، حقوق تجارت الکترونیکی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۶.
- السان، مصطفی، «جنبه های حقوقی ثبت الکترونیکی»، ماهانه کانون سردفتران و دفتریاران، دوره دوم، شماره ۷۹، ۱۳۸۷.
- ابن قدامه، عبدالرحمن، الشرح الكبير، جلد ۴ و ۱۲، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- انصاری فر، زهرا، ماهیت و نقش ادله الکترونیکی در اثبات دعاوی حقوقی و کیفری، مرجع دانش، اولین همایش ملی آینده پژوهی علوم انسانی و امنیت اجتماعی، ۱۳۹۵.
- بابوی قمی، محمدبن علی بن حسین (شیخ صدوق)، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
- جلالی فراهانی، امیرحسین، استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۸۶.
- جمالی، جعفر؛ رزاقی، افشین، «نقش و ارزش اسناد کتبی و الکترونیکی در نظام حقوقی ایران»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۳، ۱۳۹۴.
- حسن زاده، مهدی، کارشناسی؛ دلیلی مستقل از علم قاضی، حقوق اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.
- حسن زاده، مهدی، «رابطه کارشناسی و شهادت در فقه و حقوق»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴، ۱۳۸۶.
- حسینی کلشتری، مهنوش، «بررسی فقهی- حقوقی تجارت الکترونیک و اسناد تجارت الکترونیک»، شهر قانون، شماره ۹، ۱۳۹۳.
- دانش پژوه، مصطفی، سوگند در دعاوی بین الادیانی و بین المللی در فقه امامیه و حقوق ایران، کتاب های فقهی، شماره ۴، ۱۳۹۲.
- دوستی پور، میثم؛ هقانی، روح الله؛ رضایی راد، عبدالحسین؛ آل طاهای، سیدحسین، «منشأ و مشروعیت امارات قضایی»، دانش و کتاب حقوقی، شماره ۳، ۱۳۹۲.
- رضائی، روح الله، «بررسی فقهی اعتبار اسناد الکترونیک»، حقوق، کانون، شماره ۱۱۷، ۱۳۹۰.
- رضائی، روح الله، اعتبار امضای الکترونیکی با توجه به مقررات داخلی و بین المللی، کانون، شماره ۱۱۸، ۱۳۹۰.
- رشتی، میرزا حبیب الله، کتاب القضاء، چاپ اول، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۰۱ق.
- شعبانی، جمال الدین، جایگاه ادله الکترونیک در فقه حقوق ایران، انتشارات آفتاب گیتی، ۱۳۹۹.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰.

- شریفی پور، فیصل، بازپژوهشی مبانی حجیت علم قاضی در جرایم حدی، پژوهش در علم و حقوق، شماره ۱، ۱۳۹۵.
- صدرزاده افشار، محسن، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، چاپ دوم، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
- صدر، محمدباقر، مباحث الأصول (تقریرات سیدکاظم حائری)، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- عربیان، اصغر، «عدم اختصاص بینة به شهادت دو شاهد»، نشریه علمی پژوهشی فقه و علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۲.
- فاطمیان، مسعود؛ حسنی، علیرضا؛ کی‌نیا، محمد؛ ابهری، حمید، «مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر اسناد الکترونیکی از منظر قوانین ایران، مقررات آنسیترال و حقوق فرانسه»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوق بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۱۳۹۶.
- فیضی چکاب غلامنبی، اعتبار حقوقی دلیل و امضای الکترونیکی، فصلنامه کتاب حقوق و سیاست، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۰، ۱۳۸۹.
- فیضی، کامران؛ مقدسی، علیرضا، «موانع و راهکارهای شکل‌گیری دولت الکترونیک در ایران»، مجله توسعه و مدیریت، شماره ۲۲، ۱۳۸۳.
- کریمی، عباس؛ مختاری، رحیم؛ تقی‌زاده، ابراهیم، «مطالعه تطبیقی اثربابی ادله مدنی بر دادرسی در فقه و حقوق موضوعه، حقوق، کتاب‌های حقوق تطبیقی»، دوره ۱۶، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، جلد ۴ و ۵، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ق.
- کوهن، آندره و برتراند مدینه، «مراقبت الکترونیکی و بررسی اجمالی آن بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی»، ترجمه حمیدرضا جاویدزاده و سیدحسن میره‌ای با نام «نقد و بررسی غلامرضا پیوندی»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- محقق نراقی، احمدبن محمد مهدی، مستند الشیعه، مؤسسه آل‌البتیت لا حياء التراث، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- محتشمی، مرضیه، «ادله الکترونیکی، کتابداری»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳۵، ۱۳۸۹.
- محمدی، سام؛ میری، حمید، «بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه، اشکال و اعتبار آن»، نامه مفید، شماره ۷۶، ۱۳۸۸.
- مهران‌افشان، علیرضا، «دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۵، ۱۳۹۰.
- مؤمن، محمد، اعتبار علم قاضی در دعاوی، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲، ۱۳۷۸.
- مودن‌زادگان، حسنعلی؛ سلیمان دهکردی، الهام؛ یوشی، مهشید، «حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری»، کتاب حقوق کیفری، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.
- همتی، محسن، «نظام دلیل در مقررات کیفری جدید»، مجله مطالعات حقوق، شماره ۷، ۱۳۹۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی